

## ذکری از " وجوهات مبارکه و صد فیصد حلال استخباراتی " !

پیوسته به گذشته قسمت سی و هفتم :



نوشته ای از محمد امین فروتن

**میگویند** در قدیم و در یکی از روستا های دور دست مردی که اسم اش گنجو خان بود و در میان روستایان به **گنجی** شهرت یافته بود وقتی فهمید که **گنجی** به کسی گفته میشود که بالای سرش موی نداشته باشد حساسیت اش نسبت به مفهوم گنجی بکلی بلند آمد و هرآنکه وی را **گنجی** خطاب میکرد در برابرش واکنش سختی نشان میداد، در یکی از روزهای گرم تابستانی که کسی وی را " **گنجی** " صدا زده بود و با آن مرد به سبب **گنجی** گفتن مشت و یخن گشته بود مرد دیگری که از راه عبور میکرد و حالت گنجو خان معروف به **گنجی** را از نزدیک میدید بلا درنگ صدا زد که های **گنجی** ! در اینجا چه خبر است ؟ **گنجی** بلا درنگ بطرف مردی که از راه عبور میکرد روی خود را گشتاند و در خطاب با وی گفت : که با این **گنجی** گفتن خو همراه با یک بی عقل دیگری نزدیک است که خون راه بیندازیم حال ترا چه شده که مرا **گنجی** می خوانی ؟

آنگاه که در واپسین لحظات بخش قبلی این سلسله ای از یادداشت هایم رسیدم و درجائی خواندم که یکی از رهبران ستاد های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که همانا ستاد « تحول و تداوم » برهبری جناب دکتور اشرف غنی احمدزی باشد در جمعی از " مریدان " و هواداران اش گفته است که قانون اساسی را معامله نمی کنم " حکایتی به ذهنم خطور کرد که آنرا آنگونه که بر پیشانی این یادداشت مرور فرمودید شنیده بودم . بله ! می بینیم که اکنون همان حکایتی از " گنجی " که اصلاً اسم اش گنجو خان بود اما از چندین سال بدینسو در روستا وی را " گنجی " صدا می کردند بر عده ای از عزیزان صدق می کند . زیرا آنچه که طی بیش از دوازده سال در افغانستان میگذرد از دست نظام مافیائی حاکم بر سرنوشت مردم هست که متأسفانه همین وثیقه غیر عملی بنام قانون اساسی افغانستان توجیه کننده این سیستم ناعادلانه "سیا"سی بوده که همچون شمشیر دموکلس بر مشروعیت ملی جامعه ما آویزان است .

تصور نه ميکنم آقايوني که مدارک علمي بزرگترين و معتبرترين دانشگاه ها در زمينه اقتصاد ، حقوق و علوم "سيا" سي را توأم با القاب بلند بالاي همچون از غوث الاعظم و دومين و چندمين متفکر عالم برخ تمامي رقيب خود ميکشند و خود را که **داراي « یک چشم و مقداري پشم»** اند در جامعه اي " کورها " پادشاه مي نامند ندانند که يکي از معضلات بزرگ جامعه ما وجود همين کتابچه اي کاپي شده اي هر چند بسيار مترقي و پيشرفته بنام قانون اساسي افغانستان است که حتي کتني از قانونگذاران و شخصيت هاي حقوقي و حقيقي که در شوراي تسويد همين قانون اساسي حضور داشت باري به اين حقير حکايت ميکرد و ميگفت که قانون اساسي افغانستان نه با مصلحت انسان باشنده ء اين سرزمين و اين آب و خاک که در اوج سنت زندگي ميکنند و بايد گام به گام زمينه هاي رشد و انکشاف طبيعي در جامعه ما مدنظر قرار مي گرفت و وارد دوره پيشرفته و مدرنيته ميگرديد ، بلکه بدون مطالعه و جستجوي زمينه هاي تطبيقي آن وثيقه را هر چند مترقي و مدرن که تنها در انطباق با منافع و مصلحت هاي مادي و روزمره ء شرکت هاي چند مليتي و کارتل هاي نفتي جهان در نظر گرفته ميشد و بر تمامي اعضاي کميسون تسويد قانون اساسي که با فشار امتيازات فراوان و منافع شخصي خویش عوام کالانعام شده بوديم تحميل ميگرديد .

<http://youtu.be/z0tizbCe240>

بزرگترين مورد ي که طی سيزده سال موجب بيشتري زيانها و آسيب ها گرديده است همانا تقابل گفتمان حاکم مذهب تاريخي و غير اجتهادي در جامعه ما با مؤلفه هاي حقوق بشر و جامعه ء مرفه ي که ايجاد آن در اين قانون اساسي بر عهده دولت گذشته شده است به خوبی و روشني به مشاهده ميرسد . زيرا از يکطرف به اساس حکم ماده هفتم دولت منشور ملل متحد، معاهدات بين الدول، ميثاق هاي بين المللي که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلاميه جهاني حقوق بشر را رعايت مي کند. و از سوي ديگر بايد در زمينه اصلاحات ساختاري در حوزه انطباق دين مقدس اسلام با اصول و پرنسيپ هاي دموکراسي و مردم سالاري در اولويت به رشد فرهنگ غني ملي و معنوي جامعه بايد کار اساسي صورت ميگرفت که با درد و دريغ به اثر مسابقه قدرت در حوزه نهاد هاي شبه دولتي که همه مهره هاي وابسته به سيستم حاکم کنوني به شمول تمامي رجال و شخصيت هاي که بر محور گريس و روغن زده شده اين دو ستاد اعم از کساني که قانون اساسي را محور همه چانه زني ها ميشمارند و خود را ادامه دهنده راستين و حقيقي سيستم کنوني ميدانند وگويا همه چيز روبراه است فقط با شعار تحوّل و تداوم بايد به پيش رفت و يا هم شخصيت ها و رجال قدرت طلب و شهرت پرستي که بنام اصلاحات و هم گرائی همچون زنبور عسل بر سر صلاحيت هاي پست اجرايوي به معامله پرداخته اند بايد مسؤليت اين وضع درناک و غم انگيز کنوني ملتي بنام افغانستان را بپذيرند . زيرا نزديک به اکثريتي از رجال و شخصيت هاي شامل در هر دو ستاد انتخاباتي کساني بودند که همچون دانه هاي تسبيح هميشه در مدار قدرت مافيايي جامعه افغاني مي چرخيدند و اکنون نيز از همان آخور تغذيه و تمويل شرعي ميگردند . ! درد ناکتر اينکه تحت اين شرائط پيچيده ء جامعه درد ديده ما از برخي مناطق صدا ها ي بسيار نامفهومي و غير عملي اما فقط کاپي شده از جوامع ديگر چون **انقلاب سبز و نارنجي** به هوا برميخيزند که هر مبتديي سياست هاي کنوني مافيايي در افغانستان با استفاده از تجارب گذشته ميداند که اين شعار ها ي بدون پشتوانه و عميقاً داراي بار فکري و عقيدتي فقط ميتوانند براي متقاعد ساختن حريف بحيث وسيله نا مأنوس فشار مورد استفاده قرار گيرند و بس .

[http://youtu.be/D\\_VCqS0mCCI](http://youtu.be/D_VCqS0mCCI)

چه کسی نه میداند که وقتی روزنامه واشنگتن پُست WASHINGTON POST و روزنامه معروف نیویارک تایمز NEWYORK TIMES در گزارشهای خود به نقل از مقامات سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا CIA مطلبی را به نشر رساند که از بدو تأسیس دولت موقت در افغانستان تا به امروز یعنی سال ۲۰۱۲ میلادی سازمان متبوعش یا همان شبکه رسوائی عالم CIA میلیونها دالر پول نقد را به شورای امنیت ملی افغانستان تحویل ارگ ساخته اند آقای عطار باشی ارگ بحیث بلند رتبه ترین مقام کشور بلادرنگ با رئیس بخش کابل سازمان اطلاعاتی امریکا CIA تماس میگیرد و با التماس از وی می خواهد که امید وارم دوستان امریکائی ما ضرورت های ما را درک کنند و بدون توجه به گزارشهای مطبوعاتی مبالغی را که برای ما حیثیت آب حیات را دارند مسدود نه سازند و من مانند همیشه قول میدهم که اسناد مصارف آنرا نیز مانند گذشته خدمت شما تقدیم کنیم !! و هنوز دود سیاه این گزارش واشنگتن پست در کاخهای مرمرین ارگ می پیچید که روزنامه های معتبر انگلستان همچون گاردین THE GUARDEAN و DAILY MAIL چاپ لندن و دیگر روزنامه ها از قول یک منبع امنیتی که با دلائل خاصی از افشای نام شان خود دارای نموده بود خبری بر همین منوال منتشر ساختند که سازمان جاسوسی انگلیس نیز از آغاز تأسیس دولت موقت میلیون ها پوند انگلیسی را به شورای امنیت افغانستان تحویل داده اند ؛ البته این پول ها ماسوا از مبالغی است که به اعتراف شخص عطار باشی صاحب هر سال از سوی شبکه های استخباراتی ایران - جمهوری آلمان - فرانسه - ایتالیا - ناروی و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا بدون ارائه کوچکترین سند مصرفی به خزانه ارگ تحویل داده میشود . طبیعی است که در بدل این همه « وجوهات مبارکه و صد در صد حلال !!! » استخباراتی هرکشوری از جهان که در افغانستان مشغول قمار و برد و باخت بودند به فکر منفعت های بودند که با تنهائی و یا هم با دیگر همکارانی که مشغول شغل « شریف غارتگری !! » میباشند

....

**ادامه دارد**